

بین‌الملل از نظر روس‌ها عرصه منافع صرف است نه دوستی‌های راهبردی دائم.

واقعیت این است که در عرصه معامله و بده‌بستان قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های کوچک‌تر در صورت اتخاذ تصمیم اشتباه، متحمل ضررهای بزرگی خواهند شد؛ ضررهایی که به راحتی قابل جبران نیستند.

البته به نظر می‌رسد که پیشنهاد روسیه در تهران با استقبال گرمی مواجه نشده است. در هر صورت ایران تجربیاتی از عملکرد مسکو در مذاکرات هسته‌ای اندوخته است. هر چند دست رد زدن به سینه مسکو نیز می‌تواند عواقبی برای ایران داشته باشد. در سال ۲۰۰۶، بحران برنامه هسته‌ای ایران به یک نزاع بین تهران و غرب تبدیل شد. تهران رویکرد چندان سازنده‌ای به تلاش‌های دیپلماتیک روسیه نشان نداد و در عوض بر توسعه فعال برنامه هسته‌ای خود متمرکز شد. در واکنش، مسکو از انتقال پرونده ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های بعدی حمایت کرد. روسیه اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد را با هماهنگی چین اندکی کاهش داد، اما به حمایت از قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران ادامه داد. دمتری مدودف، رئیس‌جمهوری وقت روسیه در آن زمان در توضیح

از شکست

وارد و چرا به دنبال توافق است؟

اکنون مسئله این است که آیا روسیه، با فرض موافقت با نوعی راه‌حل از طریق مذاکره، می‌تواند جنگ دیگری را آغاز کند یا خیر؟ در اینجا ذکر این نکته مهم است که پوتین اگر چه قدرتمند است، اما حاکم مطلق نیست. او نمی‌تواند مانند استالین بر روسیه حکومت کند. در زمان استالین، مسکو بر کل روسیه و کوچک‌ترین خانه‌ها در کوچک‌ترین روستاها حکومت می‌کرد و کنترل داشت. استالین نه‌فقط از طریق نیروهای نظامی و مجری قانون، بلکه از طریق اعضای کوچک و بزرگ حزب کمونیست که در ازای هوشیار بودن نسبت به تهدیدها، مزایا دریافت می‌کردند، بر روسیه حکومت می‌کرد. آنها هر گونه اقدام خلافی که در واقع رخ می‌داد و یا تنها تصویری خیالی بود را به پلیس داخلی روسیه که توسط حزب کمونیست اداره می‌شد گزارش می‌کردند. پلیس داخلی روسیه توسط دفتر سیاسی حزب که تحت کنترل استالین بود، اداره و نظارت می‌شد. در دوران استالین، ابزار سرکوب همیشه وجود داشت. اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به معنای فروپاشی حزب کمونیست بود و ساختار ترور دیگر کارایی نداشت. هدف پوتین احیای روسیه بود. اما با از بین رفتن حزب کمونیست، ساختار دولتی کمونیستی نیز از بین رفت. پوتین باید پایگاه جدیدی ایجاد می‌کرد. او تنها یک منبع قدرت داشت و آن طبقه الیگارش روسیه بود.

این رویکرد مسکو گفت که تحریم‌ها روند مذاکرات را تحریک می‌کنند. در سال ۲۰۱۳، زمانی که چشم‌انداز دستیابی به توافق با ایران در جریان مذاکرات آشکار شد، مسکو خود را بر سر دوراهی دید. اگر تحریم‌ها از تهران برداشته می‌شد، موقعیت این کشور در بازار جهانی نفت تقویت می‌شد. در عین حال، فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، توسعه همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، انجام پروژه‌های بزرگ در سایر زمینه‌ها و عرضه سلاح‌های متعارف بدون خطرات تحریم به ایران وجود می‌داشت اما اگر ایران درهای اقتصاد خود را به روی سرمایه‌گذاران غربی باز می‌کرد و نیروهایی در ایران که حامی نزدیکی بیشتر به غرب و ایالات متحده بودند، قدرت می‌یافتند، آن‌وقت ممکن بود ایران به سختی همکاری‌های گذشته روسیه را به یاد آورد و روسیه منافع اقتصادی مورد انتظار از توافق هسته‌ای با ایران را به دست نمی‌آورد. ممکن است متناقض به نظر برسد اما روسیه در حالی که پایندی خود به بر جام را اعلام می‌کند، می‌داند که در صورت دستیابی به یک «توافق هسته‌ای» بین آمریکا و ایران و به دنبال آن لغو تحریم‌های ایران و کاهش همکاری کلی بین تهران و مسکو، مواضع ایران در قبال اوکراین تغییر خواهد کرد. « بنابراین ممکن است از نظر تاکتیکی برای

در سال‌های بین دوران حکومت میخائیل گورباچف و ولادیمیر پوتین، دارایی‌های حزب کمونیست به شهروندان، براساس نسبت رابطه‌شان با دولت، فروخته شد. توافق فروش ساده بود: پوتین و زیردستانش صنایع بزرگ و سایر دارایی‌های باارزش را بین الیگارش‌های جدید توزیع کردند و آنها نیز متعهد شدند از کرملین با پول و احترام حمایت کنند. آنها همچنین شبکه‌ای از روابط سیاسی و اقتصادی را شکل دادند که به آنها نفوذ قابل توجهی داد. پوتین سیاست را اداره کرد و ظاهراً منافع خوبی نیز به دست آورده بود. الیگارش‌های روس به طرز شگفت‌انگیزی ثروتمند شدند و استانداردهای زندگی بیشتر روس‌ها بهبود یافت، زیرا ترتیبات جدید پوتین به وحشت پایان داد و اشتغال ایجاد کرد. اختلاف نظر در روسیه دیگر یک جرم بزرگ نبود و رسانه‌ها مستقل‌تر و قابل اعتمادتر شدند. دیری نگذشت که شرکت‌های خصوصی روسیه وارد بازار جهانی شدند.

پوتین در ابتدا مسئولیت را بر عهده داشت، اما در کوتاه‌مدت قدرت به الیگارش‌هایی منتقل شد که امنیت در نظر کرملین را تضمین می‌کردند. آنها برای کسب درآمد به دسترسی به بازارهای اروپایی وابسته بودند و بسیاری از آنها در خارج از روسیه زندگی می‌کردند و انتظار داشتند پوتین تجارت‌شان را تسهیل کند اما زمانی که تهاجم اولیه پوتین به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ با شکست مواجه شد، بسیاری از پرسودترین بازارها درهای خود را به روی الیگارش‌های روسیه بستند و سرمایه‌گذاری غرب در روسیه به شدت کاهش یافت. پوتین به الیگارش‌ها دستور داد به روسیه بازگردند، که خیلی‌ها به این فرمان گردن نهادند. با این حال، برخی از الیگارش‌ها از پوتین به عنوان حامی سابق خود، راضی نبودند و برای همیشه روسیه را ترک کردند و اعلام کردند تا زمانی که محیط سیاسی و اقتصادی تغییر نکند، به روسیه باز نخواهند گشت. اینکه این شرایط سه سال ادامه داشته، مشکلات جدی برای آنها ایجاد کرده است. آنها می‌خواستند جنگ پایان یابد و مدت‌ها پیش به توافقی دست یافته بودند. این مسئله چند سوال ایجاد می‌کند: آیا پوتین کنترل کامل را در روسیه در دست دارد؟ آیا الیگارش‌ها متحد هستند؟ و وقتی جنگ تمام می‌شود چه اتفاقی



روسیه سودمند به نظر برسد که ایران تحت تحریم باقی بماند. تحریم ایران نه‌تنها رقابت در بازار نفت را کاهش می‌دهد، بلکه علاقه ایران به همکاری با روسیه علیه کشورهای غربی را حفظ می‌کند. معنای آنچه نوشته شد لزوماً این نیست که روسیه با احیای توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌های ایران به کلی مخالف است؛ دو سناریو با منافع روسیه همخوانی دارد؛ مذاکره برای توافق جدید و تشدید تحریم‌های ایران. اگر مذاکرات واقعاً آغاز شود و صرفاً پوششی برای اهداف پنهانی یا خرید زمان نباشد، انگیزه مخالفان ایران برای استفاده از زور را از بین می‌برد و به ایران دلیلی برای ایجاد یک ابزار دفاعی قابل اعتماد در برابر تجاوز می‌دهد. از سوی دیگر تحریم‌های معتدل علیه ایران انگیزه این کشور را برای همکاری با مسکو تقویت می‌کند، اما محدودیت‌های بیش از حد بر ایران، می‌تواند سه سناریوی دیگر از جمله، خروج ایران از آن‌پی‌تی، درگیری نظامی و حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای را کلید بزند و هیچ کدام از سه سناریوی آخر با منافع روسیه همخوان نیست. بنابراین روسیه در خصوص برنامه هسته‌ای ایران به دنبال راهی میانه است که در چارچوب آن نه بحران به‌طور کامل حل و فصل شود و نه چرخه بحران از گردونه خارج شود.

می‌افتد؟ الیگارش‌ها نمی‌خواهند کرملین سقوط کند. اما اینکه آیا آنها پوتین را همچنان در رأس کرملین می‌خواهند یا خیر، بحث دیگری است.

پوتین نمی‌تواند علیه الیگارش‌ها اقدام کند مگر اینکه تبعات رکود عظیم اقتصادی این اقدامات را بپذیرد. شرکت‌هایی که الیگارش‌ها در اختیار دارند، برای روسیه رگ حیاتی هستند. اگر پوتین شرکت‌های الیگارش‌ها را ملی کند، تولید در روسیه مختل می‌شود. اگر او الیگارش‌ها را به زندان بیندازد، سیستم مالی ضعیف روسیه، فرو می‌پاشد. الیگارش‌ها بانک‌های غربی را دوست دارند و میزان زیادی از حجم ثروت نقدشونده روسیه، در خارج از این کشور است. آیا پوتین از شکست در جنگ اوکراین و تبعات ناشی از آن جان سالم به در می‌برد؟ یا اینکه ممکن است یک رئیس‌جمهور جدید در روسیه بتواند مسیرهای تجاری را برای الیگارش‌ها باز کند؟ دومی احتمالش بیشتر است.

پوتین مخلوق الیگارشی است و الیگارش‌ها مخلوق پوتین. اما در نهایت پوتین است که آنها را به ورطه شکست کشانده و تنها با پایان دادن به جنگ و گشایش دوباره درهای تجارت و سرمایه‌گذاری می‌تواند آنها را راضی کند. اگر این کار را نکند، شکست‌های تجاری افزایش می‌یابد و الیگارش‌ها به کشورهایی خواهند رفت که پولی را که برای سرمایه‌گذاری در روسیه به آن نیاز داشتند، در آنجا پنهان کرده‌اند. علاوه بر این، مردم روسیه نسبت به دوران کمونیست‌ها بسیار معترض‌تر هستند. میهن‌پرستی جامعه روسیه را در طول جنگ حفظ کرده است، همانطور که در هر کشوری این کار را می‌کند. اما از زمان سقوط کمونیسم در روسیه نسل جدیدی در این کشور متولد شده است و این نسلی که تحت حکومت کمونیست‌ها زندگی نکرده است، نسل مرعوب نیست. این نسل، نسل اینترنت است.

پوتین مجبور است به جنگ پایان دهد و امیدوار باشد که بهترین‌ها رقم بخورند. بهترین راه برای پایان دادن به یک جنگ شکست‌خورده اعلام پیروزی و بازگشت به خانه است. پوتین با گفتن اینکه به تمام خواسته‌هایش رسیده است، اعلام پیروزی می‌کند. اما فقط آمریکایی‌ها هستند که این ادعا را باور می‌کنند.

روس‌ها می‌دانند که جنگ را بخواهند. مسئله این نیست که پوتین چگونه مخالفانش را سرکوب خواهد کرد. بلکه مسئله اساسی این است که پوتین با شیاطینی که خلق کرده چطور برخورد خواهد کرد و اگر این کار را نکند، چه اتفاقی برای روسیه می‌افتد. حکومت وحشت ممکن است به پوتین کمک کند، اما در حال حاضر مکانیسمی برای اجرای آن وجود ندارد، و هر چه زمان می‌گذرد، برای پوتین دیر می‌شود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ممکن است بدی‌های زیادی داشته باشد، اما قواعد بازی را که در حال انجام است، می‌داند. هر کسی که تعلل کند، بازنده خواهد بود. و ترامپ اهل تعلل نیست. او هر ذره قدرت و هر درصدی از منفعت را که بتواند از ضعف پوتین به‌دست خواهد آورد. ترامپ مانند مدیر یک صندوق سرمایه‌گذاری، امروز می‌گوید که دوست پوتین است، اما فردا از معامله کنار می‌کشد. سپس، پس از اینکه وام‌گیرنده واقعاً احساس نیاز کرد، دوباره به میز مذاکره برمی‌گردد. ترامپ در این معامله، کارت‌های بازی را در دست دارد و او بخشی از قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیکی پوتین را می‌خواهد.

آخرین اقدام ترامپ یک بگومگوی مضحک با رئیس‌جمهور اوکراین ولودیمیر زلنسکی بود که در مقابل رسانه‌ها برگزار شد. پوتین از زلنسکی متنفر است و اکنون به نظر می‌رسد ترامپ هم از زلنسکی متنفر است. در حال حاضر پوتین در تلاش است تا با امضای یک قرارداد جدید با الیگارش‌ها خود را نجات دهد. ترامپ هم بدش نمی‌آید که در داخل آمریکا مورد حمله قرار گیرد. چون هر چقدر که ترامپ ضعیف‌تر به نظر برسد، بیشتر و سریع‌تر به دنبال توافق خواهد بود. ترامپ عجله‌ای ندارد و امیدوار است که مشکلات داخلی پوتین آنقدر خودشان را نشان بدهند که موقعیت او در روسیه تضعیف شود.

دیدگاه مرسوم این است که تنها نگرانی پوتین، اوکراین و غرب است. من فکر می‌کنم او بُعد دیگری در ذهن خود دارد و آن هم مربوط به وضعیت داخلی‌اش می‌شود. این بُعد قطعاً موضع مذاکراتی او و استراتژی مذاکره ایالات متحده را شکل خواهد داد.

سیاستمداران



دردسر جولانی

استاندار طرطوس اعلام کرد ممنوعیت تردد در این استان تا ساعت ۱۰ صبح فردا شنبه تمدید شد. خبرگزاری رسمی سوریه، (سانا) اعلام کرد به دلیل نیازهای امنیتی و نظامی و در شرایطی که عملیات‌های امنیتی و نظامی علیه معترضان سوریه ادامه دارد، ممنوعیت تردد در شهر طرطوس تا روز شنبه ساعت ۱۰ صبح تمدید می‌شود. سانا گزارش کرد دانشگاه طرطوس تمامی امتحانات دانشگاهی برنامه‌ریزی شده در دانشکده‌های خود برای روز شنبه را به تعویق انداخت. از شامگاه پنج‌شنبه، نیروهای تحریرالاشام وابسته به «احمدالشرع» معروف به «ابومحمد الجولانی» رئیس موقت سوریه، با مردم معترض به سیاست‌های دولت و نقض حقوق بشر در منطقه جبله و حومه آن در استان اللاذقیه در شمال غرب کشور و نیز استان طرطوس، حلب و منطقه ساحل سوریه درگیر شده و با حملات هوایی و توپخانه‌ای آنها را هدف قرار دادند. در پی بروز این اعتراضات و درگیری‌ها میان معترضان و نیروهای الجولانی، مقامات امنیتی ممنوعیت تردد را برقرار کردند و عملیات گشت‌زنی در مرکز شهرها و روستاها و کوه‌های اطراف آغاز شد. بر اساس آخرین آمار منتشر شده توسط نهاد نظارتی، تاکنون در این درگیری‌ها ۷۱ نفر کشته شدند که بیشتر آنها نیروهای وابسته به الجولانی هستند. ۸ دسامبر ۲۰۲۴، گروه‌های مخالف مسلح کنترل دمشق را پس از شهرهای دیگر به دست گرفتند و بدین ترتیب ۶۱ سال از حاکمیت حزب بعث و ۵۳ سال از سلطه خانواده اسد به پایان رسید. وزارت خارجه ترکیه دیروز با انتشار بیانیه‌ای به تحولات اخیر سوریه واکنش نشان داد. وزارت خارجه ترکیه در بیانیه خود «ایجاد تنش در شهر لاذقیه و هدف قرار دادن نیروهای امنیتی» را محکوم کرد. این وزارتخانه در بیانیه خود اعلام کرد که تنش در شهر لاذقیه و هدف قرار دادن نیروهای امنیتی احتمال دارد تلاش‌ها برای دستیابی به وحدت و یکپارچگی و همبستگی در سوریه را از بین ببرد. در بیانیه وزارت خارجه ترکیه همچنین آمده است: ما با تمامی اقداماتی که حقوق شهروندان سوری در رابطه با زندگی به همراه صلح و شکوفایی را تضعیف کند، مقابله خواهیم کرد. این بیانیه پس از آن صادر شد که شبکه خبری صابربن‌نیوز گزارش کرد درگیری‌ها میان مردم سوریه و نیروهای وابسته به «احمد الشرع» معروف به «ابومحمد الجولانی» سرکرده تحریرالاشام و رئیس موقت سوریه در اطراف ساحل سوریه و لاذقیه ادامه دارد و معترضان بر مرکز لاذقیه و تعدادی از مناطق آن تسلط یافته‌اند. وزارت خارجه عربستان نیز با انتشار بیانیه‌ای به تحولات تازه سوریه واکنش نشان داد. وزارت خارجه عربستان در این بیانیه قیام و اعتراض ساکنان منطقه ساحل سوریه را محکوم کرد. این وزارتخانه در بیانیه خود حمایت ریاض را از نیروهای ابومحمد الجولانی، رئیس دولت موقت سوریه جهت «حفظ امنیت و ثبات در سوریه» اعلام کرد. در بیانیه وزارت خارجه عربستان آمده است: اقدامات گروه‌های خارج از چارچوب قانون در سوریه در حمله به نیروهای امنیتی این کشور امری محکوم‌شدنی است. وزارت خارجه عربستان در بیانیه مذکور بر حمایت خود از تلاش‌های دمشق در راستای «برقراری امنیت و ثبات و حفظ ثبات داخلی» تاکید کرد. نیروهای عراقی نیز در مرزهای این کشور با سوریه تدابیر امنیتی را تشدید کرده‌اند. منابع عراقی تاکید کردند که بغداد تحولات ناگهانی در شهرهای ساحلی سوریه به‌ویژه درگیری‌های جاری را دنبال کرده و اقدامات و تدابیر پیشگیرانه متعددی به‌ویژه در نوار مرزی با سوریه به اجرا درآورده است. این منابع عراقی در ادامه اعلام کردند: در سایه تحولات ویژه سوریه از جمله تحولات ساحل سوریه، باید سطح آگاهی و هوشیاری را بالا برد به‌ویژه اینکه ما در برابر تحولاتی قرار داریم که با توجه به درگیری‌های جاری، اوضاع غیرقابل پیش‌بینی است. تظاهرات مردم سوریه علیه نقض فزاینده حقوق بشر از سوی نیروهای امنیتی دولت موقت سوریه از استان‌های طرطوس، لاذقیه و منطقه ساحل سوریه فراتر رفت و به استان حلب در شمال شرقی سوریه هم کشیده شد و مردم به درگیری با نیروهای وابسته به الجولانی ادامه دادند.